

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)
سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۷، پاییز ۱۳۹۷ صفحه

سازه‌گرایی چهارچوبی مفهومی برای تحلیل مواضع راهبردی عربستان سعودی در خاورمیانه (با تأکید بر سوریه و بحرین)

علی باقری زاده*

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، تهران، کرمان، واحد رفسنجان

ابراهیم انوشه

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، تهران، کرمان، واحد رفسنجان

شهرام عسکری حصن

دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، تهران، کرمان، واحد رفسنجان

چکیده

بیداری اسلامی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر روی کشورهای منطقه خاورمیانه و به‌طور خاص کشورهای عربی شمال آفریقا و غرب آسیا تأثیرگذار بوده است. عربستان سعودی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشور عربی غرب آسیا با این موضوع درگیر بوده است. عربستان سعودی این تحولات را در تضاد با ثبات استراتژیک منطقه‌ای خود تفسیر کرده و ضمن برداشت تهدید از این تحولات مصمم به حفظ وضع موجود در برخی نقاط و تغییر ساختار قدرت در نقاط دیگر بوده است. در این پژوهش سعی شده با بهره‌گیری از نظریه سازه‌گرایی مواضع عربستان را در خصوص بهار عربی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. در این راستا می‌توان به اتخاذ رویکردهای هویتی با نگاه‌های سلبی و ایجابی اشاره کرد که به رویکردهای تعارض هویتی منجر شده است، این رویکرد هویتی در شکل ایجابی در بحرین سعی در حفظ وضع موجود و ثبات حکومت آل خلیفه را به‌عنوان متحد راهبردی قرار داده است، و در شکل سلبی در سوریه به دنبال تغییر وضع موجود و ساختار قدرت است و نهایتاً تغییر موازنه قدرت با رقیب منطقه‌ای خود یعنی ایران است. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد موجود، در قالب یک روش توصیفی-تحلیلی درصدد بررسی نقش مؤلفه‌های هویتی نظیر عربیت، وهابیت و اسلامیت روی سیاست خارجی عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه بعد از بیداری اسلامی است.

واژگان کلیدی: عربستان، سازه‌انگاری، بیداری اسلامی، هویت، رویکرد سلبی، رویکرد ایجابی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۵/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲
آدرس الکترونیکی نویسنده عهده‌دار مکاتبات: ali_bagherizadeh@yahoo.com

مقدمه

تحولات بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ با خودسوزی بن علی بوعزیزی در مقابل پارلمان تونس آغاز شد و منجر به سقوط حکومت بن علی آن کشور شد. این تحولات خیلی سریع به کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا تسری یافت و با سرعت فزاینده‌ای دیگر کشورهای منطقه را با بحران مواجهه کرد. در این میان عربستان سعودی رویکرد حداقلی را نسبت به کشورهای دور از منطقه شامل مصر، تونس و لیبی در پیش گرفت، اما به توجه به برداشت تهدید از این وضعیت ناشی از نزدیک شدن تهدید به مرزهای فوری کشورش در سوریه و بحرین و تهدید بقا متحدانش رویکرد حداکثری را در پیش گرفت. با تعریف هویت و نقش این‌گونه تفسیر از هویت، منافع و تعیین دیگری به‌عنوان «خودی و غیرخودی» شاهد این وضعیت هستیم که عربستان سعودی در بحران سوریه و بحرین دو رویکرد متفاوت با (تعارض هویتی) را اعمال کرد.

عربستان سعودی بر اساس رویکرد سلبی هویتی، حکومت سوریه را به‌عنوان دشمن و (دیگر) هویتی خود تعریف کرده است؛ بنابراین، عربستان سعی کرده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران مؤثر در بحران داخلی سوریه و با توجه به رقابت گسترده منطقه‌ای که با ایران دارد به دنبال تغییر قدرت و سقوط بشار اسد بوده است. تا بتواند از این طریق قدرت منطقه‌ای ایران را کاهش دهد. (نیاکویی، ۱۳۹۲: ۲)

اما عربستان در بحرین تلاش کرده تا با رویکرد ایجابی حکومت آل خلیفه در بحرین را به‌عنوان دوست (خودی) هویتی معرفی کند و با تمامی ابزارهای سیاسی، نظامی، مالی مانع تحقق خواسته‌های مردمی بشود. تا از سقوط حکومت بحرین بعنوان متحد هویتی جلوگیری کند. با توجه به نزدیکی جغرافیایی کشور بحرین به مناطق شیعه‌نشین و ترس از اشاعه سریع ناآرامی‌ها به داخل کشور عربستان ضمن سرکوب مردم بحرین دو هدف را دنبال کرد. اول: ممانعت از تغییر وضع موجود در نزدیکی مرزهای فوری و تغییر موازنه قدرت به سود خویش، در مرحله دوم مطرح کردن تحولات بحرین را به‌عنوان تهدید فوری با هدف بسیج افکار عمومی داخلی کشور و ایجاد وحدت رویه استراتژیک دنبال می‌کند.

هدف اصلی این تحقیق این است که عربستان سعودی با ذهنیت تهدید از وقوع بیداری اسلامی رویکرد پارادوکس (هویتی) را در قبال این تحولات در پیش گرفت؛ بنابراین، با نقشی که انگاره‌ها و ایستارها در تعیین هویت و منافع ملی ایفا می‌کند. در سوریه با هدف سقوط متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران و دفع تهدید ناشی از بحران در مرزهای غیر فوری‌اش در راستای تغییر وضع موجود اقدام کند. در بحرین با توجه به رابطه نزدیک نسبی و اتحاد راهبردی حکومت آل خلیفه تلاش کرد مانع سقوط متحد راهبردی‌اش مانع از رسیدن بحران به مرزهای کشورش شود. مکانیسمی که عربستان سعودی در محیط خارجی با توجه به آن ایفای نقش می‌کند نوعی هویت با شدت عمیق و متعصب را تعریف می‌کند، بحران سوریه و بحرین شرایط تعریف هویت و

اقدامات متفاوت را برای این کشور ایجاد کرد؛ بنابراین، تعریف هویت نیز مستلزم تفاوت در متحد (خودی) و دشمن (غیرخودی) و اقدامات پارادوکس هست. تحولات سوریه به طور خاص ناشی از تحولات بیداری اسلامی نیست، بلکه عربستان سعودی با اقدامات تخریب‌کننده در روند صلح در این کشور و تجمع و انتقال تروریست‌ها به کشور سوریه سعی در انجام اقدامات ضدامنیتی شامل صدور تروریسم و تسری آن به سوریه، عراق و در نهایت تسری تروریسم به مرزهای غربی جمهوری اسلامی ایران با هدف ضربه زدن به محور مقاومت دارد. جنبه جدید و نوآوری تحقیق اینست که نقش هویت در رویکرد (پارادوکس هویتی) عربستان را در سوریه و بحرین با هدف تغییر موازنه قدرت و ارتقا امنیت نسبی (تداوم بحران در مرزهای غیر فوری و انتقال کانون بحران در خارج دور را) دنبال می‌کند.

ادبیات تحقیق

علی آدمی و همکارانش (۱۳۹۳)، در مقاله «تحولات انقلابی بحرین تعارضات مذهبی و ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی» در فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۰. پرسش اصلی ریشه مذهبی و ایدئولوژیک ایران و عربستان و تأثیرش بر روابط دو کشور چیست؟ به واکاوی تحولات انقلابی بحرین و تعارضات ایران و عربستان می‌پردازد. به این نتیجه می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران با تقویت حس انقلابی نشئت‌گرفته از انقلاب اسلامی به حمایت از شیعیان تأکید دارد.

ناصر پورحسن و عبدالمجید سیفی (۱۳۹۳)، در مقاله «عربستان و رویارویی هژمونیک با بیداری اسلامی در خلیج فارس (بررسی موردی بحرین)» در فصلنامه علوم سیاسی سال ۱۶، شماره ۶۲. پرسش اصلی نظام سلطه چگونه با هژمونیک بیداری اسلامی در منطقه خلیج فارس مقابله می‌کند؟ به بررسی موقعیت ویژه استراتژیک این منطقه برای غرب و نیز قرابت حاکمان کشورهای خلیج فارس باعث شده غربیان به مدیریت موج بیداری اسلامی و عدم تسری آن از طریق حکام سعودی بپردازند.

سید علی نجات (۱۳۹۳)، در مقاله «راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در بحران سوریه» در فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۲، شماره ۱۹. پرسش اصلی، ایران و عربستان چه رویکردی در بحران سوریه اتخاذ کرده‌اند؟ این مقاله به نقش تخریب‌کننده عربستان در روند صلح سوریه و نیز تضعیف محور مقاومت می‌پردازد.

چهارچوب نظری تحقیق

سازهانگاری به صورت یکی از رویکردهای مطالعه سیاست بین‌الملل که خود از ترکیب سایر رویکردها تشکیل می‌شود. (قوام، ۱۳۹۰: ۲۲۲) سازهانگاران مانند نظریه‌پردازان انتقادی و پست‌مدرن‌ها معتقدند که دنیای اجتماعی خارجی و عینی آن‌گونه که به نظر می‌رسد وجود ندارد،

عقیده کلاسیک این است که دنیای اجتماعی از جمله روابط بین‌الملل یک ساختار بشری است. (جکسون، سورنسون، ۱۳۹۱: ۳۹۵) سازه‌انگاری به واسطه مناظره سوم، راسیونالیسم و رادیکالیسم، آرد روابط بین‌الملل شد. آنچه این جریان را شدت بخشید فروپاشی شوروی و ناتوانی ثورنالیسم جهت ارائه درکی قابل قبول از آن بود. نظریه سازه‌انگاری تلاش عمیق در حوزه فرانظری است پیشروان این نظریه به لحاظ مباحث فرانظری در میانه طیف طبیعت‌گرایان/اثبات‌گرایان از یکسو و پساساختارگرایان از سوی دیگر و در مباحث محتوایی در میانه دو جریان واقع‌گرایی و لیبرالیسم قرار دارد. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۱۵) در حقیقت دنیای بدون هویت دنیای هرج‌ومرج، نامعلوم و خطرناک‌تر از آشوب‌زدگی است. هویت‌ها ما را به خود و دیگران و نیز سایرین را به ما معرفی می‌کند، یک دولت سایرین را بر اساس هویتی که او به آن‌ها نسبت می‌دهد درک کرده، درحالی‌که به‌طور هم‌زمان از طریق اعمال اجتماعی روزانه به بازتولید هویت خویشتن مبادرت می‌کند. در هر صورت ساختار نهایی معنا، ساختار بین‌الذهانی است. (قوام، ۱۳۹۴: ۲۲۵) مسئله مهم دیگر هستی‌شناسی، هویت کنشگران است که به تعبیری در کانون سازه‌انگاری است. هویت عبارت است از فهم‌ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویت‌ها به‌طور هم‌زمان به‌گزینه‌های عقلانی قوام می‌دهند و این الگوهای هنجاری سیاست بین‌الملل هستند که به آن‌ها شکل می‌دهند، به بیان دیگر این هویت‌های متحول و متفاوت‌اند که به منافع و رفتارهای کنشگران شکل می‌دهند. (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۳۳۳-۳۳۲). درواقع در همین بعد هستی‌شناسی است که توجه سازه‌انگاران عمدتاً بر انگاره‌ها، معانی، قواعد، رویه‌ها و هنجارها بوده و بر همین مبناست که به نظر آن‌ها درواقع این نظام‌های معنایی هستند که تعیین‌کننده‌ای چگونگی تفسیر کنشگران هستند. (wind, 1997: 25)

از نظر سازه‌انگاران سیاست بین‌الملل یک برساخته و قلمرو اجتماعی است که ویژگی‌های آن را ارتباطات و تعامل میان واحدهای آن تعیین می‌کند. (bingman, 1967: 270) به نظر سازه‌انگاران هویت امری است اجتماعی به این معنا که در ساختن خود، دیگری هم ساخته می‌شود؛ بنابراین، هویت سیال است. برای همین است که در نگاه آن‌ها برداشت کنشگران از خود، منافع و اهدافشان تغییرپذیر است. و به تبع شکل‌گیری یک هویت جدید منافع، هم برای یک دولت مطرح می‌شود. (ritbergger, 2002: 124) بنابراین، سازه‌انگاری با مطرح کردن اهمیت مفاهیمی چون فرهنگ، دیدگاهی اجتماعی به سیاست جهانی می‌دهد و بر اهمیت ساختارهای هنجاری و نقش هویت در ساخت منافع و کنش‌ها تأکید می‌کند. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۵۲) هویت پدیده‌ای است که در رابطه با خود-دیگری شکل گرفته و قوام پیدا می‌کند و پدیده‌ای از قبل داده‌شده و مسلم پنداشته شده نیست، بلکه در فرایند تعامل ایجادشده و بر منافع و ترجیحات افراد و دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۴۹-۳۳۲) در سایه این تعاریف است که دولت‌ها و ملت‌ها وضعیت موجود را «قابل تحمل» یا «غیر قابل تحمل» می‌یابند. کشورهای دیگر در مقام دوست، دشمن، و بی‌طرف

دسته‌بندی می‌شوند و کنش‌های آنان با عنوان «تهدید» با «الهام دوستی» تلقی خواهد شد. دولت‌ها با این تصورات در صدد تغییر یا حفظ وضع موجود با کشوری متحد می‌شوند و علیه دیگری اقدام می‌کنند، شدت و ضعف این دوستی‌ها و دشمنی‌ها نیز به تصورات وابسته است. در این چهارچوب آن‌ها موقعیت‌ها را برای خود معنادار می‌کنند. حوزه‌های نفوذ خود را تعریف می‌کنند. و ضرورت‌ها و نیازهای خود را بازنمایی می‌کنند. و در یک کلام «سیاست خارجی خود را می‌سازند».

(steve,2011:38-39)

هویت و منافع کشورها در پیوند با یکدیگر و به تعبیر ونت «هویت‌ها پایه منافع هستند» (wend,1922:398) ونت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان سازه‌انگاری بر این باور است که ساختار بین‌الذنهانی نظام بین‌الملل که بر پایه شناخت مشترک است. نقش بسیار اساسی در ساخت و پرداخت هویت‌ها و منافع دولت‌ها دارد. وی معتقد است که هویت‌ها شالوده منافع هستند. (went,1992:398) بنابراین، دولت یا منافع ملی نتیجه هویت ملی اجتماعی کنشگران است. (snith,2001:226)

به‌طور کلی دو نگاه نقش محور نسبت به سوریه وجود دارد: نخست، ایفای نقش بر محور ثقل جغرافیایی که بیشتر به نظریه واقع‌گرایی نزدیک است و دوم، ایفای نقش بر محور برداشت هویت از منافع و حس تهدید از نقش سایر بازیگران که بیشتر به سازه‌انگاری نزدیک است. (برزگر، ۱۳۹۲) رویکرد عربستان در سوریه و نیز بحرین بر این مبناست. تئوری سازه‌انگاری انگاره‌ها و ایستارهای شناختی و نرم‌ها نقش فزاینده در تعیین هویت دارند هویت نقش اساسی در تعریف خود-دیگری و در نهایت تعیین‌کننده دوست و دشمن است. که در قالب بین‌الذنهانی شکل می‌گیرد؛ بنابراین، هویت هم نقش تعیین‌کننده در تعریف هویت‌ها دارد و همچنین مشخص‌کننده منافع ملی، و اقدامات کنشگران در سیاست خارجی است.

روش‌شناسی: برای بررسی فرضیه پژوهش، نگارنده اهتمام ورزیده است با روش توصیفی و تحلیل، ضمن توصیف وقایع موسوم به بیداری اسلامی به تبیین رویکرد عربستان سعودی در این تحولات با مطالعه موردی در سوریه و بحرین بپردازد و در ادامه نیز با توجه به فاکتورهای موجود به تجزیه و تحلیل رویکرد پارادوکس این کشور با تعابیر هویتی شدید و دگرساز با استفاده از منابع دسته اول و بروز به‌صراحت موضوع بیفزاید. در رویکرد استناد به داده‌ها نیز روش جمع‌آوری منابع در مرحله اول اسنادی و مختصر اینترنت است.

هویت و سیاست خارجی

هویت به‌عنوان یک عامل معنایی و پدیده اجتماعی، یکی از مباحث مهمی است که در جریان اصلی نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل نسبتاً مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، اما در نظریه سازه‌انگاری به‌عنوان یک بحث هستی‌شناسانه، از آن برداشت نسبتاً جدیدی شده است. «هویت» را می‌توان فهم‌ها و انتظارات از خود که خاص نقش است یا مجموعه‌ای از باورها در مورد خود،

دیگران و روابط میان آن‌ها تعریف کرد. (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۱) در جریان نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل تا حدی با رشد نظریه‌های جدید روابط بین‌الملل در طی دهه‌های اخیر، موضوع هویت کنشگران به‌عنوان یک محرک مؤثر در جهت‌گیری سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفته است و دولت‌ها به‌عنوان کنشگران اصلی از مؤلفه‌های هویتی در اتخاذ تصمیم‌ها و تأمین منافع برخوردار شده‌اند. (مرادی کلارده و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹۹) سیاست خارجی هر کشوری با توجه به مفهوم هویت، شناخت خود و دیگران تکوین می‌یابد. هویت به‌منابه ابزاری در تعامل استراتژیک میان کشورها، نقش دولت را مشخص می‌کند؛ کشوری که تعریفی از «خود» و «غیر» ندارد، در تعریف و تعیین منافع ملی، سیاست‌گذاری و جهت‌گیری سیاست خارجی دچار انفعال و درنهایت در تعیین اشتراکات و افتراقات با دیگر واحدهای سیاسی دچار ابهام و مشکل می‌شود و نمی‌تواند با قدرت‌های جهانی اتحاد و ائتلاف برقرار کند. (کریمی‌فرد، ۱۳۹۳: ۷۸) بر این مبنا عربستان سعودی در سوریه راهبرد کسری قدرت را دنبال می‌کند، اما در بحرین رویکرد ترمیم‌پذیری حکومت را پیگیری می‌کند. (احمدی لفورکی، ۱۳۹۲).

بررسی انگاره‌های هویتی عربستان سعودی

کشور عربستان سعودی یکی از دولت‌های مهم و مؤثر نظام بین‌الملل به‌ویژه در خلیج فارس است که از خصوصیات، ویژگی‌ها و هویت خاصی برخوردار است. اگرچه در این کشور معیار تعیین هویت متفاوت است و معیارهایی مانند منطقه سکونت، دین یا فرقه، قبیله معیار تعیین هویت باشند. (منصوری مقدم، ۱۳۹۲: ۸۳-۸۲) کشور عربستان نمونه کشور هویتی است که مؤلفه‌های هویتی آن نظیر عربیت، وهابیت، سلطنت و برخورداری از ذخایر نفتی تأثیر به‌سزایی در سیاست خارجی این کشور داشته است. هویت عربی از دید ریاض هم‌معنای نظم عربی و حفظ هویت، فرهنگ و سنت عربی است. (کلارده و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۰۶) در حقیقت ریاض همواره در تلاش است که خود را به‌عنوان مهد عربیت، اسلامیت و سرزمین وحی معرفی کند و دو مفهوم اسلام و عربیت را به هم پیوند بزند. (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۴) یکی دیگر از منابع هویتی در عربستان، ذخایر نفت است که عامل اصلی تحرک اساسی سیاست خارجی عربستان در عرصه بین‌المللی است. هر زمان معادلات سنتی قدرت به نفع عربستان باشد، این کشور تمام سرمایه‌های مالی و ارزشی خود را برای حفظ آن به کار می‌گیرد (مانند بحرین) و هرگاه کشوری مثل سوریه بر ضد ارزش‌ها و منافع منطقه‌ای آن اقدام می‌کند، درصدد نابودی آن برمی‌آید. (مرادی کلارده و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۰۶-۲۰۷)

تأثیر انگاره‌های هویتی بر رویکرد متعارض عربستان در بیداری اسلامی

در سال‌های اولیه قرن ۲۱ مسئله هویت کاملاً تغییر کرد. و از هویت کشور به هویت دینی و نژادی تغییر یافت. اگر بخواهیم فضای منطقه خاورمیانه را درک کنیم باید در قالب درک گفتمان

صورت گیرد. گفتمان نشان‌دهنده تمایز، و تمایزات از هویت‌ها ناشی می‌شود. (بلچارد، ۲۰۱۲: ۸۹) از این رو اقدامات عربستان در تحولات بیداری اسلامی بر مبنای تعاریف هویتی است، با بسیج افکار عمومی کشورهای جهان «عربی و اسلامی» اهتمام ورزید تا بحران را در خارج از مرزهایش با استراتژی (بحرین سیاست ترمیم قدرت و در سوریه ایجاد خلأ قدرت) کنترل کند.

عربستان و تعارض رویکرد هویتی

آدلر با مدنظر قرار دادن مسئله تغییر در رفتار برحسب تغییر تلقی‌ها عنوان می‌کند، که دیدگاه او دارای توصیه‌هایی برای سیاست خارجی دولت‌هاست و اشاره می‌کند که منافع کشورها برحسب هویت آن‌ها تعریف می‌شود و این منافع رفتارها را می‌سازد. (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۴) با توجه به در نظر گرفتن اقدامات عربستان سعودی شاهد نوعی استراتژی تعارض گونه هستیم، در بین بازیگران عربستان از بیداری اسلامی بیشترین احساس تهدید را کرده است. و تمرکز خود را بر کسب حداکثری منافع تنظیم کرد. در سوریه استراتژی خلأ قدرت را در پیش گرفت با هدف فروپاشی حاکمیت سوریه و حذف بازیگر غیر هویتی، در بحرین نیز رویکرد ترمیم سازی قدرت مرکزی را در پیش گرفت با هدف حفظ متحد هویتی، این موارد حاکی از نوعی پارادوکس رفتاری عربستان در بیداری اسلامی و تأثیرپذیری شدید این کشور از هویت محوری است.

هویت متعارض عربستان و محور مقاومت

عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای خود می‌داند. هویت نظام سیاسی ایران یک هویت (شیعه، انقلابی) و غیر متعهد است در حالی که در نقطه مقابل هویت عربستان سعودی، دارای یک هویت (سنی، سلفی)، محافظه‌کار و هم‌سو با غرب است. این هویت‌ها با تعریف از خود، برداشت از دیگری را مشخص می‌کند. و منافع و ترجیحات و نقش هر بازیگر را تعریف می‌کند. این هویت در هر دوره از روابط جمهوری اسلامی و عربستان سعودی متأثر از شرایط داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی به شکل برجسته یا کم‌رنگ یا برداشت متناقض از دیگری به ایفای نقش پرداخته است. (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۱۰) همچنین یکی دیگر از تعارض‌های هویتی دو کشور سازه سنتی و پادشاهی عربستان و شهروند محور ایران است. ایران خود را انقلابی، طرفدار به هم خوردن وضع موجود و سقوط دیکتاتورها می‌داند، ولی عربستان طرفدار وضع موجود است. (gahner, 2012: 39)

عربستان و بیداری اسلامی

مواضع عربستان در مواجهه با بیداری اسلامی را می‌توان در جنبه‌ها و سطوح مختلف بررسی کرد. عربستان از یک طرف تلاش کرد نظام‌های محافظه‌کار عرب را از روند تغییرات محافظت کند. مواضع عربستان در این زمینه از مصر تا بحرین را شامل می‌شود. از طرف دیگر، سعودی‌ها

در موضعی متعارض در پی تغییر نظام‌های عرب ناهم‌سو با غرب بوده‌اند. مواضع عربستان در قبال سوریه از دو سطح ژئوپلیتیک تحلیل‌پذیر است. سطح اول به اقدامات در کشورهای عربی فراتر از حوزه خلیج فارس و در سطح دوم به کشورهای حوزه خلیج فارس مربوط می‌شود. (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۳: ۱۴۳) موج تحولات جدید خاورمیانه که تأثیرات شدیدی بر عربستان سعودی تحمیل کرد، که از بروز آن‌ها در اطراف خود نگران بود. بخشی از این نگرانی متوجه این مسئله که منطق سیاست خارجی عربستان بر وضع موجود در ثبات داخلی و منطقه‌ای است. (قهرمان پور، ۱۳۹۰). این نگرانی تا حدود زیادی به فقر مشروعیت سیاسی و نزدیکی آن به کشورهای غربی برای تأمین ثبات سیاسی بازمی‌گردد. (farred, zakaria: 2010) با سقوط مصر، متحد کلیدی عربستان و چالش در حوزه‌هایی حیاتی چون، بحرین و یمن، گسترش موج دمکراسی خواهی و بحران‌های پراکنده در بعد داخلی که سران آل سعود طی چند سال اخیر برای تبدیل شدن به ام القری «رهبری» جهان اسلام دست به تلاش وسیعی زدند، را در بیم و هراس فروبرد، زیرا این جنبش‌ها معادلاتی را که ساختار داخلی عربستان طی چند دهه بر آن استوار بود، برهم زد و آن‌ها را در بعد داخل با خیزش‌هایی هرچند محدود مواجه ساخت. این امر سبب شد تا عربستان سعودی راهبرد جدیدی را در قبال تحولات نوظهوری چون بحرین اتخاذ کند و به ترسیم سیاسی برای رویارویی با پیامدهای این قیام بپردازد. (بادریان، هزاوه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۷۳) ترس از تسری دومینوی سقوط کشورهای عربی به عربستان و افزایش بحران داخلی این کشور مقامات سعودی را به واکنش‌ها در مقابل آنچه تهدید ایران می‌خواند، آماده کرد. (حمایتیان، خواجویی، ۱۳۹۳: ۱۷۱) منطق سیاست خارجی سعودی‌ها بر حفظ وضع موجود و پرهیز از هرگونه تغییر در ثبات داخلی و منطقه‌ای است. علل نگرانی سعودی از گسترش بیداری اسلامی در منطقه را می‌توان در حفظ حکومت‌های سنی، سقوط متحدان منطقه‌ای و چالش مشروعیت دانست. (کرمی، ۱۳۹۰: ۸۵) سیاست خارجی عربستان به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای نشان می‌دهد. عربستان می‌کوشد تا با اتخاذ یک سیاست خارجی محافظه‌کارانه تهاجمی مانع از تسری موج انقلاب‌های منطقه به مرزهای داخلی خود شود؛ بنابراین، سیاست خارجی عربستان سعودی تمایل به حفظ وضع موجود دارد، اما هم‌زمان تهاجمی هم هست، زیرا تلاش دارد با به‌کارگیری ابزارهای سیاسی، اقتصادی، و امنیتی انقلاب‌های منطقه را به نفع خود مدیریت کند. (نجات، ۱۳۹۳: ۶۴۶)

در حال حاضر نظام سعودی مستبدترین نظام سیاسی منطقه است. به همین علت از کشورهایایی است که درگیر بحران‌های ناشی از تحولات عربی در منطقه خاورمیانه است و سعی دارد از ورود بحران به کشورش جلوگیری کند. عربستان سعودی به‌طور سنتی یک بازیگر محافظه‌کار است که در تحولات بیداری اسلامی به دنبال حفظ امنیت خودش است. (barzegar, 2012: 3) بر اساس تحولات بیداری اسلامی، شاهد تصورات و درک جدید سعودی‌ها از تهدیدها در حوزه داخلی و

منطقه‌ای هستیم. بر این اساس، تحولات جدید منجر به تغییر سیاست منطقه‌ای عربستان شد. که از آن به بحران سیاست خارجی عربستان نام برده می‌شود. عربستان سعودی سابقاً یک سیاست خارجی محافظه‌کارانه و تا حدی میانه‌رو داشته، ولی بعد از تحولات اخیر منطقه شاهد بودیم که عربستان سعودی یک سیاست خارجی تهاجمی را اتخاذ کرده است. این سیاست خارجی تهاجمی برای حفظ امنیت رژیم این کشور است. جز اینکه در سیاست خارجی فعال و حتی سیاست خارجی تهاجمی را اتخاذ کنند. (حمایتیان و جعفری، ۱۳۹۵: ۶۶) در واقع عربستان سعودی به‌عنوان مهندس اصلی مقابله با انقلاب و حتی معکوس کردن بیداری اسلامی به ایفای نقش می‌پردازد. (مدنی و هواسی، ۱۳۹۰: ۸۰-۶۳) موج تحولات بیداری اسلامی عربستان سعودی را در محاصره قرار داد، تأثیراتی که منجر به سقوط متحدان، تضعیف جایگاه این کشور و چالش مشروعیت شد. (کرمی، ۱۳۹۰: ۸۰) در واقع عربستان بازیگر اصلی مقابله با انقلاب و حتی معکوس کردن بیداری اسلامی به ایفای نقش می‌پردازد. (kamrava, 2011: 96)

بیداری اسلامی و تغییر موازنه قدرت

تحولات اخیر در خاورمیانه را می‌توان به‌عنوان محور اصلی تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای دانست. هر تحول منطقه‌ای می‌تواند بر چگونگی توازن قدرت بین کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه تأثیر بگذارد؛ بنابراین، تحولات موسوم به بیداری اسلامی بر معادله قدرت تأثیرگذار خواهد بود. در این مورد می‌توان تحولات سوریه از مارس ۲۰۱۱ را در زمره عوامل تأثیرگذار بر نیازها و شکل‌بندی امنیتی ایران دانست. با شکل‌گیری تحولات در منطقه خاورمیانه کشورهایمانند عربستان درصدد برآمدند تا بر موازنه منطقه‌ای تأثیر به جا گذارند. (نجات، ۱۳۹۳: ۶۳۴) تحولات بیداری اسلامی باعث تقابل اعراب متحد غرب با جمهوری اسلامی ایران شده است. این تقابل نقشه استراتژیک خاورمیانه را در بلندمدت تعیین خواهد کرد. که برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه است. (دهشیری و مقامی، ۱۳۹۴: ۱۷۳) سرنگونی سه دولت متحد عربستان شامل: تونس، مصر، یمن در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ از یکسو و گسترش ناآرامی‌ها به شبهه جزیره عرب به‌ویژه بحرین نه تنها توازن منطقه‌ای به سود ایران در حال تغییر بود، بلکه اقتدار سعودی‌ها را به چالش می‌طلبید. عربستان برای سرپوش گذاشتن به اعتراضات شیعیان راه سیاست تطمیع را پیش گرفت. از سوی دیگر به سرکوب انقلابیون شیعه در بحرین و داخل عربستان پرداخت. مداخله نظامی در بحرین یکی از ابزارهای سعودی برای به راه انداختن جنگ‌های انحرافی بود. (سمیعی و عزیزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۷)

عربستان نگران نفوذ ایران میان شیعیان است. و تلاش می‌کند نفوذ آن را کاهش دهد. در واقع مقابله با نفوذ ایران در سوریه، لبنان و همسایه نزدیک خود بحرین و یمن از اهداف عربستان در منطقه است. (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۷) این تحولات به تغییراتی در محیط منطقه‌ای عربستان منجر شده که در جهت عدم تعادل قدرت به زیان این کشور و به سود ایران تعبیر می‌شود.

(altamami, 2012). کشورهای حوزه خلیج فارس و به‌ویژه عربستان هنوز نتوانسته‌اند بر اساس مؤلفه دولت-ملت قوام یابند. این مسئله سبب شده است تا چهارچوب‌های هویتی این کشور با ایران با تعارضاتی روبه‌رو شود. (دارایی و کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۰) در واقع ترس از رسیدن دومینوی سقوط کشورهای عربی و شمال آفریقا به عربستان این کشور خشن‌ترین اقدامات را برای حفظ موازنه قدرت مقابل ایران آماده کرده است. (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۰-۱۷۱) اساساً روایت سلفی، نظم منطقه‌ای مطلوب خود را از طریق کاربرد قدرت برای مهار قدرت تکوین می‌بخشد. به عبارتی نظم سلفی در پی احیای مناسبات پیشین امنیتی در خاورمیانه و در رأس آن عربستان در منطقه، به‌ویژه در خلیج فارس است. (شهرام نیا و سیفی، ۱۳۹۴: ۴۱).

از ویژگی‌های بحران سوریه دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم عوامل بیرونی هست، اتحادیه عرب، شورای خلیج فارس، عربستان و قطر حمایت کامل خود را از معترضان داخلی و خارجی اعلام کردند. از طرف دیگر ایران، حزب‌الله و لبنان و عراق به حمایت از بشار اسد و حکومت وی پرداختند. (امیری و شهرام‌نیا، ۱۳۹۴: ۳۴) سعود الفیصل در سال ۲۰۱۳ گفت: شورشیان باید در مقابل اسد مسلح شوند. وی گفت نمی‌توانیم در برابر مداخله ایران و حزب‌الله در سوریه ساکت بمانیم. (habboush, 2013) همین‌طور با دخالت مستقیم و غیره مستقیم در تحولات داخلی یمن، بحرین و سوریه به دنبال ایجاد تغییرات به نفع خود است. (آجرلو، ۱۳۹۱). به‌عبارت‌دیگر، بازیگرانی که در محور محافظه‌کار قرار دارد تحولات منطقه‌ای را به ضرر خود تحلیل می‌کنند. در این راستا این جریان در تلاش است با مداخله در امور داخلی سوریه و روی کار آوردن حکومت مساعدی در آنجا متحد تازه‌ای به دست بیاورند. (ولدانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۶) از این‌رو هدف عربستان سعودی و سایر بازیگران ائتلاف «بازگرداندن امید» را باید در جلوگیری از هژمونی و نفوذ ایران در منطقه دانست، جلوگیری از جایگاه ایران به‌عنوان هژمونیزم منطقه‌ای، بستگی به چگونگی موازنه قوا دارد. به دلیل آنکه ایران تلاش می‌کند تا حوزه نفوذ خود را در جبهه مقاومت گسترش دهد. بازیگران منطقه‌ای از راهبرد محدودسازی قدرت ایران بهره می‌گیرند. (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۶) عربستان سوریه را در چهارچوب رقابت‌های منطقه‌ای با ایران (مهار نفوذ معنوی ایران) نگاه می‌کند. در واقع برای همین در مقابل نظام اسد و در دفاع از کشورش که علیه این نظام صورت گرفته گام برمی‌دارد؛ بنابراین، عربستان در هماهنگی با رویکرد غربی-عربی با هدف محدودسازی قدرت ایران گام برمی‌دارد. (کوه‌کن و تجری، ۱۳۹۱: ۱۲۳) بخشی از منازعات کنونی در روابط ایران و سعودی را می‌توان انعکاس توازن قدرت دانست. عربستان سعودی همچنین نظم منطقه‌ای شکل‌گرفته پس از تحولات جهان عرب در راستای منافع موجود را قبول ندارد. و این توازن قدرت منطقه‌ای را در تقابل با سیاست‌های خود ارزیابی می‌کند. به همین دلیل آل سعود در بیان هستند تا با بهره‌گیری از بحران‌های موجود، توازن قدرت موجود را به نفع خود تغییر دهند. عربستان قصد ندارد تا اجازه بدهد که تحول قدرت منطقه‌ای ایران ادامه

پیدا کند یا اینکه ارتقای نقش منطقه‌ای ایران را مسکوت گذارد؛ بنابراین، سقوط نظام سوریه را به‌نوعی تضعیف ایران و تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای تلقی می‌کند. (نجات، ۱۳۹۳: ۹۵۰-۹۳۵) نگاه راهبردی ایران به دمشق یکی از دلایل حمایت تهران از دمشق در تحولات اخیر است. برای ایران سوریه به‌منزله عاملی برای حرکت روبه‌جلو در منطقه، یک سپر و ضربه‌گیر استراتژیک است. برای پروژه قدرت و نفوذ خود در آسیای جنوب غربی؛ بنابراین، هر جایگزین برای بشار اسد با توجه به جمعیت اهل تسنن در سوریه همکاری و پیمان استراتژیک ایران و سوریه را به مخاطره می‌اندازد. به همین دلیل سوریه شاید تنها کشور در تحولات بیداری اسلامی است که می‌تواند جغرافیای سیاسی منطقه را دگرگون کند. به همین جهت سقوط سوریه یک تهدید استراتژیک برای ایران در منطقه و یک فرصت طلایی برای کشورهای سنی منطقه که با قطع اتحاد ایران و سوریه توازن منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهند. در نتیجه از این منظر ایران وضعیت به وجود آمده در بحران سوریه را یک بازی با حاصل جمع صفر تلقی می‌کند. که در صورت سقوط نظام فعلی سیاسی تبعات و خطرات را برای ایران در منطقه به وجود می‌آورد. (سلطانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۰) عربستان در بحرین منافع خود را در تقابل با ایران می‌بیند. از دیدگاه ریاض، هرگونه قدرت گرفتن شیعیان بحرین به افزایش نفوذ ایران خواهد انجامید. در همین راستا بحران سوریه فرصتی را برای سعودی‌ها فراهم آورد. تا در مقابل رقیب دیرینه خود یعنی ایران موازنه ایجاد کند. به همین دلیل، تلاش‌های عربستان سعودی برای اجماع منطقه‌ای و جهانی در مقابل اسد را می‌توان بخشی از رقابت‌های بزرگ‌تر ایران و این کشور دانست. از این رو آل سعود مایل است. نظام متحد ایران در سوریه سرنگون شود، این مسئله موجب تضعیف نفوذ ایران در سوریه لبنان، کاهش تأثیرات از دست دادن عراق گسترش حوزه عربستان در کانون محور مقاومت و در نهایت، تغییر موازنه قوا در منطقه خواهد شد؛ بنابراین، انتظار منطقی این است که عربستان سعودی به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در مواجهه با ایران در سوریه با جدیت علیه حکومت آن حرکت کرده و قدرت ایران را به چالش بکشد. (سلطانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۴) سعودی‌ها در موضعی متعارض در پی تغییر نظام‌های عربی ناهم‌سو با غرب بوده‌اند. (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۳: ۱۴۳) تام دافیلون مشاور امنیت ملی امریکا می‌گوید پایان رژیم اسد موجب بزرگ‌ترین عقب‌نشینی ایران در منطقه و برهم خوردن توازن قوای استراتژیک شود. (New York News, 2011)

اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بحرین برای عربستان

بحرین یکی از کوچک‌ترین کشورهای خاورمیانه است که در حوزه جنوبی خلیج فارس واقع شده است. وسعت خاک بحرین ۶۷۶ کیلومتر مربع است. این کشور مجمع‌الجزایری متشکل از ۳۵ جزیره بزرگ و کوچک است. منامه بزرگ‌ترین جزیره و پایتخت آن کشور نیز محسوب می‌شود، ۲۷ مایل درازا و پهنای آن در پهن‌ترین نقاط به ۱۷ مایل می‌رسد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹:

۴۷۵-۴۴۷) بیشترین نفوذ در بحرین چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ نظامی از سوی عربستان هست. بحرین برای عربستان از لحاظ ژئوپلیتیک به‌عنوان فضای حیاتی مهم هست. (اسلام تایمز، ۱۳۹۴/۳/۱۵). نظام بحرین یکی از متحدان اصلی عربستان در منطقه به شمار می‌رود. و بدون شک هرگونه تغییری در این ناحیه می‌تواند منافع عربستان و متحدان غربی آن را به طور کامل تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل با چراغ سبز این کشور به حکومت آل خلیفه به صورت گسترده به سرکوب مردم بحرین پرداخته و هنگامی که ضعف حکومتی در مواجهه با این موج عظیم مردمی نمود پیدا کرد. نیروهای نظامی عربستان با هماهنگی کامل کاخ سفید برای مقابله با قیام بحرین وارد این کشور شدند و با مشت آهنین توانستند کنترل نسبی بر اوضاع به دست آورند. سعودی‌ها در تنش مذهبی بحرین بیم از خیزش شیعیان در منطقه خلیج فارس را دارند. این چنین است که می‌توان رفتارها و واکنش‌های سعودی در بحرین را تجزیه و تحلیل کرد. (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۲-۱۴۶) بحرین در نگاه تصمیم‌گیران سیاست خارجی عربستان نیز اهمیتی فوق‌العاده دارد. شیعیان استان‌های شرقی عربستان در نزدیکی بحرین ساکن‌اند و به سبب پیوندهای خویشاوندی و مذهبی روابط نزدیکی با بحرین دارند. بحرین حلقه وصل عربستان سعودی از طریق خلیج فارس به تنگه هرمز و آب‌های آزاد است. و نقش محوری در توازن قوا در منطقه دارد. (خضری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۹)

اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک سوریه برای عربستان

سوریه یک بازیگر ژئوپلیتیک محور است. که با سه عامل واقع‌شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن در شرق دریای مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل با کشورهای حاشیه این منطقه ارتباط دارد. به‌طور خاص سوریه از طریق خط لوله نفت در بندر بانباس، بخشی از نیازهای نفتی کشورهای حاشیه را تأمین می‌کند و از این راه در معادلات منطقه نقش دارد. به همین دلیل اهمیت و نقش استراتژیک بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل «سوریه را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» می‌نامند. (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۵) سوریه با برخورداری از مؤلفه‌های خاص سیاسی، جمعیتی و ژئوپلیتیکی از کشورهای مهم و نقش‌آفرین خاورمیانه است (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۹) سوریه به‌واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی مؤثر، همسایگی با رژیم اسرائیل، تأثیرگذاری بر تحولات لبنان و هم‌پیمانی با جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت کشوری بسیار حائز اهمیت است. (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). سوریه علاوه بر اهمیت راهبردی به دلیل جایگاهش در جبهه مقاومت و اتحاد با جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی اهمیت مضاعف پیدا کرده است. (نجات و ولدانی، ۱۳۹۰: ۴۰-۳۹) در این منطقه باید به اتحاد استراتژیک سوریه با ایران و نقش نیابتی آن در منطقه تمرکز کرد. سوریه به‌عنوان پل ارتباطی با حزب‌الله و به‌عنوان کانال اصلی برای تقویت جبهه مقاومت به شمار می‌رود. (ویلیام ناسی، ۲۰۰۸: ۹) سوریه به‌واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی مؤثر، همسایگی با اسرائیل،

تأثیرگذاری بر تحولات لبنان و هم‌پیمانی با جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت کشوری
حائز اهمیت است. (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۰۰)

آثار و تحولات بیداری اسلامی در سوریه

بیداری اسلامی آثار و واکنش‌های درخور تأملی را در سوریه ایجاد کرد به نحوی که شدت و تداوم بحران به شکلی بی‌سابقه در این کشور پدیدار شد و البته بازیگران منطقه‌ای نیز هرکدام به نحوی با موضوع برخورد کردند، اما عربستان سعودی در وضعیت سوریه بیداری اسلامی دچار سردرگمی استراتژیک شد و در مرحله بعدی به دنبال تغییر حکومت این کشور به‌عنوان یک فرصت راهبردی برخورد کرد. برای عربستان سعودی قیام داخلی سوریه به معنای شکسته شدن اجبار اتحاد استراتژیک سی‌وچندساله ایران اسلامی و سوریه سکولار، وارد آمدن ضربه‌ای سهمگین به آرمان استراتژیک ایران به‌عنوان هژمون (نقش متغیر هژمون منطقه توسعه قدرت) خواهد بود. (rabi & Mueller, 2012)

آثار بیداری اسلامی در بحرین

شکست توافقات صورت گرفته میان مخالفان و دولت بحرین در دهه ۱۹۹۰ به برقراری سلطنت مشروطه و انتخابات آزاد از یکسو و از سوی دیگر شرایط مساعد منطقه‌ای بعد از تحولات تونس و مصر و اجرایی نشدن توافقات میان مخالفان و پادشاه منجر به آغاز قیام بحرین شد. (کرمی، ۱۳۹۰: ۹۰) اما در خصوص بحرین ظهور پدیده بیداری اسلامی منجر به تقابل دو بازیگر منطقه‌ای یعنی عربستان و جمهوری اسلامی ایران شد. با ایدئولوژی و قرائت متفاوت از اسلام، سبب شد تا آل خلیفه سرکوب گسترده با شدت مخالفان را در پیش گیرد. (هزاوه‌گویی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۷۱-۱۶۹) در بحرین خیزش‌ها زمانی بعد از شعله‌ور شدن اعتراضات در کشورهای عربی آغاز شد که عربستان با اعزام نیرو تحت عنوان «سپر جزیره» به سرکوب مردم پرداخت. (دوستی، ۱۳۹۰: ۲۰۹) بحرین از نظر جمعیتی دارای اکثریتی از شیعیان است که در صورت پیروزی می‌توانند تهدیدی فوری برای امنیت ملی عربستان سعودی تلقی شوند. (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۲۶۹) سقوط رژیم آل خلیفه در بحرین به‌مثابه شکست سنگین از دست دادن یک متحد برای سعودی قلمداد می‌شود. و در اقدامی پیش‌دستانه دست به مداخله آشکار زد. (خضری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۹-۱۹۱)

اهداف عربستان در سوریه

۱. کاهش نفوذ و متحدان ایران

با شروع قیام‌های عربی ایران نگاه پیروزمندانه به سقوط رژیم‌های سکولار و متحد امریکا داشت و عربستان در پاسخ، سقوط بشار اسد را اولویت خود قرار داد تا از فرصت شورش علیه بشار

اسد برای کنترل نفوذ ایران استفاده کند. (14-12:2014, cause) عربستان در اندیشه افزایش قدرت منطقه‌ای خویش بوده و در اندیشه تشکیل ائتلاف جدید و همسو در خاورمیانه است. از دید عربستان سرنگونی بشار اسد به معنای از بین رفتن مهم‌ترین متحد ایران در منطقه است. از دید سوریه سرنگونی اسد به معنای از بین رفتن مهم‌ترین متحد ایران در منطقه است. و تهران با سرنگونی بشار اسد بشدت ضعیف می‌شود. (ذوق‌بارانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۰) عربستان سقوط بشار اسد را به‌منابه فرصتی طلایی برای سد نفوذ سد نفوذ کردن رو به رشد ایران در عراق و شامات «سوریه» می‌نگریست و سقوط بشار اسد را می‌تواند نفوذ ایران را پایان بخشد. (نورعلی-وند، ۱۳۹۶: ۱۳۷)

۲. فروپاشی محور مقاومت

تهران همواره به سوریه کمک مادی و معنوی کرده است. همکاری‌های امنیتی تهران و دمشق نیز از همین نقطه آغاز شده است. در خصوص روابط ایران و سوریه همچنین باید به نقش لجستیکی سوریه برای حزب‌الله و حماس که از متحدان سیاسی ایران هستند نیز اشاره کرد. حزب‌الله به‌عنوان سلاح استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. به عقیده کارشناسان به دلیل آنکه سوریه در طول سال‌های گذشته پل ارتباطی ایران با حزب‌الله لبنان و جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی فلسطین بوده است. دمشق اهمیت بیشتری برای رهبران ایران پیدا کرده است. (نجات، ۱۳۹۳: ۶۴۳) سوریه به‌عنوان ایجادکننده ارتباط با حزب‌الله و به‌عنوان کانال اصلی برای تقویت جبهه مقاومت به شمار می‌رود. (wiliam samii,2008:29) فروپاشی نظام سوریه به تضعیف حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی بیانجامد. و اگر سوریه سقوط کند یکی از پایگاه‌های راهبردی محور مقاومت فرو خواهد پاشید. و به لحاظ راهبردی پیامدهای ویرانگری خواهد داشت. (سلیمی و شریعتی، ۱۳۹۴: ۸۴)

۳. ممانعت از تشکیل هلال شیعه

اصطلاح محور مقاومت نمایانگر اتحاد میان جمهوری اسلامی ایران، سوریه و قوی‌ترین بازیگر غیردولتی عرب است. (سلطانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۱) عربستان در سال‌های گذشته بشدت از نفوذ ایران و آنچه هلال شیعی نامیده شد نگران بود. و تلاش کرد تا این نفوذ را مهار کند و اینکه سوریه به‌عنوان تنها کشور عربی به صورت متحد راهبردی درآمده را نیز پیوسته با ناخشنودی و خشم نگریده است. نقش دروازه‌بان ایران به جهان عرب و اتصال راهبردی ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک را داشته، از این رو سرنگونی بشار اسد باعث تضعیف و کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و مهار آن شود. (برزگر، ۱۳۹۲: ۲۶۴) سوریه برای سال‌ها عربستان در طی سال‌های گذشته با ایران بر سر چهارچوب رقابت‌های منطقه‌ای بشدت از گسترش نفوذ ایران و تشکیل آنچه هلال شیعی نامیده می‌شود نگران بوده و تلاش کرده است که این نفوذ را مهار کند.

عربستان رقیب دیرینه ایران در منطقه تمایل دارد که با ساقط شدن نظام علوی در سوریه، نظامی متشکل از اکثریت سنی در این کشور بر سر کار آید تا به این وسیله از قدرت گرفتن هلال شیعه و نفوذ ایران جلوگیری کند. (نجات، ۱۳۹۳: ۶۴۱-۶۳۹) تلاش عربستان برای سرنگونی بشار اسد از ابتدا ابزاری برای تضعیف بلندپروازی‌های ایران بود. (احمدیان، ۱۳۹۵: ۱۱۱) عربستان با حمایت از معترضان سوری و ایفای نقش فعال در کنترل و هدایت بحران سوریه، ضمن ارتقا جایگاه خود، با اعمال نفوذ در میان جمعیت سنی و به آن‌ها کمک کند تا قدرت را در این کشور به دست آورند، تا گسترش ژئوپلیتیک شیعی جلوگیری کند. (شهریاری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۹) در واقع کاهش نفوذ ایران در منطقه یا مهار کردن الگوی نفوذ انقلاب اسلامی در دنیای عرب زمانی در قالب هلال شیعی مطرح شد. (کوه‌کن و تجری، ۱۳۹۲: ۱۲۲). کشور سوریه به لحاظ امنیتی، ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک، و عمق استراتژیک منطقه ای اهمیت بسیار راهبردی برای ج.ا.ایران دارد و حمایت جمهوری اسلامی ایران از سوریه دارای ماهیت و بلند مدت است. سوریه حلقه اتصال و ارتباط ج.ا.ایران و حزب الله لبنان و محور مقاومت است.

۴. انتقال بحران به بیرون از کشور

سعودی‌ها قصد دارند با بردن تحولات سوریه به سمت رویارویی نظامی و نوعی جنگ داخلی و حتی منطق ای روند انقلاب‌های منطقه‌ای را با مجموعه‌ای از چالش‌ها و موانع ایجاد کنند و با ایجاد الگویی جدید از تحولات و بحران‌ها جنبش‌ها و مطالبات مردمی در داخل و منطقه را به اولویت‌ها و مسائل بااهمیت در سطوحی پایین‌تر تبدیل کنند. (نجات، ۱۳۹۳: ۶۳۸) استراتژی بنیادین سعودی‌ها جلوگیری از تسری موج تحول‌خواهی به داخل کشورشان است.

۵. تداوم بحران تخلیه استراتژیک قدرت ایران

به نظر می‌رسد تداوم بحران سوریه با توجه به قطع روابط عربستان سعودی با ایران حتمی است. و این تداوم به تنش فزاینده ایران با غرب مواجهه خواهد شد. این رویارویی مستقیم و غیرمستقیم به غرب تهدیدی برای بقا و موجودیت ایران خواهد بود. که همواره بخشی از استراتژی کلان غرب با برای سقوط ایران است. (ریبیعی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۲) استراتژی عربستان این هست که از روند صلح سوریه جلوگیری و بحران را وسعت ببخشد تا جمهوری اسلامی ایران را درگیر سیاست خارجی و تخلیه استراتژیک قدرت کند.

اقدامات عربستان در سوریه

۱. اقدامات سیاسی کسری قدرت

از شروع ناآرامی‌ها در سوریه عربستان یکی از اصلی‌ترین کشورهای حامی معارضان سوریه بوده است. گزارش‌های رسیده حاکی از نقش عربستان و پشتیبانی مالی از مخالفان حکومت

سوریه به‌خصوص از گروه‌های سلفی رادیکال است. (ولدانی و نجات، ۱۳۹۲: ۱۶۳-۱۶۴) پادشاه عربستان در آگوست ۲۰۱۱ گفته‌ای را به زبان راند، مبنی بر اینکه خشونت در سوریه برای او قابل قبول نیست، و از اسد می‌خواهد جلوی کشتار را بگیرد. (نجات، ۱۳۹۳: ۶۳۹) عربستان از معارضان در سوریه حمایت کرده است. (همیانی، ۱۳۹۴: ۶۶) در تاریخ ۱۲ تیرماه، ۱۳۹۰ بیش از ۷۰ نفر از سلفی‌های عربستان، کویت، اردن و سوریه در ریاض نشست برگزار کردند. تا راه‌حل‌های تشدید بحران سوریه را بررسی کنند. گفته می‌شود هدف اصلی این نشست در ریاض ایجاد فشار بر پادشاه سعودی برای تشدید بحران سوریه بوده است. (ذوق‌بارانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۴)

۲. اقدامات حمایتی از خرده‌هویت‌ها

به‌طور مشخص می‌توان به نقش عربستان اشاره کرد که تکفیری‌ها را در حمص و حماه سازمان‌دهی کرده است. (سمیعی و سیف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۰۹) سازوکارهای عربستان برای مداخله در سوریه را می‌توان به حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از مخالفان نظام سوریه، تحریک اختلافات قومی، مذهبی در سوریه و به‌کارگیری ابزارهای تبلیغاتی و راه انداختن جنگ روانی اشاره کرد. و نیز حمایت‌های مالی و معنوی عربستان از معارضان سوری است. که این فشارهای رسانه‌ای از طریق حاکمیت آن کشور، با هدف ایجاد گروه‌های رادیکال هست. (نجات و ولدانی، ۱۳۹۲: ۱۶۵-۱۶۳) عربستان را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان سلاح برای گروه‌های شورشی در سوریه دانست. به‌بیان‌دیگر عربستان سعودی برای پیشبرد منافع سیاسی و با نگاهی ایدئولوژیک با ارسال پول و سلاح به گروه‌های مسلح در سوریه به دنبال سرنگونی حکومت سوریه است. (باقری و قربانی، ۱۳۹۶: ۳۸) عربستان سعودی شروع‌کننده جنگی تمام در سوریه شد. (مرادی و شهرام‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۳۹) گروه‌های تکفیری از آغاز سال ۲۰۱۱ به یکی از مهم‌ترین بازیگران در سوریه تبدیل شدند و اعتراض‌ها را به سمت مبارزه‌ای مسلحانه منحرف کردند. (کریمی و گرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۱۷)

۳. اقدامات نهادی (انزوای سوریه)

عربستان در قالب شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب، به جبهه‌ای برای سرنگونی نظام حاکم بر سوریه تلاش می‌کند. (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۵) عربستان طیف‌های مختلف اقدامات سیاسی، تعلیق عضویت سوریه و مرتبط ساختن آن‌ها با رسانه‌های بین‌المللی و اتحاد راهبردی عملیاتی در حمایت از گروه‌های معارض علیه نظام سوریه را در پیش گرفت. (شهیدانی و لکارده، ۱۳۹۶: ۹۹) عربستان برای اینکه بتواند فشار بیشتری را به دولت سوریه وارد کند در تاریخ ۶ اوت ۲۰۱۱ بیانیه‌ای را در شورای همکاری خلیج فارس تصویب کرد که از دولت سوریه خواسته شده بود تا به کشتار مردم پایان دهد. (al.arabiya, 2011) از مارس ۲۰۱۱ شواهدی از

شدت عمل عربستان در قبال رژیم اسد وجود دارد. عربستان استراتژی خود را در قبال سوریه تغییر و سیاست به انزوا کشاندن سوریه را در پیش گرفت. (شهریاری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۵) این کشور علاوه بر حمایت از گروه‌های تروریستی و حمایت مالی از مخالفان، با نقش‌آفرینی در اتحادیه عرب سبب تعلیق سوریه در اتحادیه عرب شد. (نجات و ولدانی، ۱۳۹۲: ۱۶۳)

اهداف عربستان در بحرین

۱. شیعه هراسی

تلاش‌های بسیاری از سوی آل خلیفه و رسانه‌های عربی صورت گرفت. تا قیام مردم بحرین جنبشی متأثر از ایران مطرح شود. (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۲۵۹) عمده نگرانی عربستان از قدرت گرفتن شیعیان در بحرین بود. که ارتباط نزدیک با جمهوری اسلامی دارند. در صورت موفقیت اعتراض‌ها بحرین به صورت کشوری شیعه در کنار عربستان سعودی درمی‌آمد. (دوستی، ۱۳۹۰: ۲۱۱) سلفی‌ها از طریق تفسیر مذهبی و فرقه‌ای از رویدادهای سیاسی و برداشت اهل سنت در منطقه، از (خود و دیگری) اثر گذاشته و به دلایل ایدئولوژی اصرار در برساختن هویت متمایز برای تقابل با شیعیان دارد. (نورمحمدی و محمدی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۵۶) عربستان با رویکرد بحران‌سازی و به چالش کشیدن نقش ایران در مسائل بحرین و فرقه‌ای نشان دادن تحولات این کشور قصد دارد انقلاب بحرین را حرکتی طایفه‌ای از جانب شیعیان با حمایت جمهوری اسلامی ایران نشان دهد. تا از این طریق افکار عمومی منطقه را متقاعد سازد که ریاض برای مقابله با شیعیان در خلیج فارس وارد عمل شده است. (هزاوه‌ای و باوریان، ۱۳۹۵: ۱۷۹)

۲. مقابله با تجدیدنظرطلبی

ریاض درگیری داخلی بحرین را به‌عنوان اقدامات خشونت‌آمیز قلمداد می‌کند. و به مقامات بحرینی قول می‌دهد از آن‌ها حمایت قاطع کند. (دوستی، ۱۳۹۰: ۲۸۵) قطعاً هرگونه تغییری در بحرین می‌تواند به‌طور مستقیم بر عربستان تأثیرگذار باشد. (هزاوه‌ای و باوریان، ۱۳۹۵: ۱۷۸-۱۷۶) اصولاً عربستان سعودی دارای موضع سنتی حفظ وضع موجود و تقابل با قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای، نمی‌توانست با تجدیدنظرطلبی در وضع موجود سر سازش داشته باشد. (ذوق-بارانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳) عربستان هشدار داد که مخالفان کشور بحرین قصد براندازی و تغییر حکومت و تأسیس یک نظام جدید را دارند. در این رابطه یکی از روزنامه‌های عربستان به نقل از مقامات سعودی نوشت: به هیچ گروهی اجازه نخواهیم داد و تا در بحرین توطئه کرده و نظام جدیدی را حاکم کند. بر این اساس عربستان سعودی هرگونه تغییر رژیم در بحرین را به‌عنوان یک خط قرمز که باعث تضعیف بسیار شدیدتر موقعیت منطقه‌ای خود می‌داند. (اسدی و زارع، ۱۳۹۰: ۱۸۷) به تعبیری آل سعود روشن ساخت که بحرین یک خط قرمز هست و آن را

به‌عنوان خلوت خود می‌داند. (مدنی و هواسی، ۱۳۹۳: ۱۷۴) بنابراین، رهبران سعودی می‌کوشند تا با تمام قوا از گسترش اعتراضات جلوگیری کنند و هرگونه تجمع مخالفان را بشدت سرکوب کنند. (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۴) عربستان به‌خوبی می‌داند تشکیل ایجاد دمکراسی بحرین، باعث تشویق جنبش‌های انقلابی دیگر در جهان عرب از جمله عربستان سعودی می‌باش و این مسئله برای آل سعود غیرقابل تحمل است. (ماحوزی، ۱۳۹۳: ۲۱۰)

۳. حفظ کشور متحد

بحرین روابط ویژه‌ای با عربستان سعودی دارد. خاندان آل خلیفه در اصل از قبایل سرزمین نجد عربستان سعودی‌اند. همچنین پیوند سببی آل خلیفه با آل سعود این مناسبات را به اوج رسانده و باعث شده عربستان توجه ویژه‌ای به بحرین داشته باشد. (هاشمی نسب، ۱۳۸۹: ۳۱) حکومت بحرین روابط گسترده‌ای با عربستان دارد و به لحاظ اقتصادی و امنیت کاملاً وابسته به عربستان است. (کرمی، ۱۳۹۰: ۹۹) بحرین از منافع و سیاست‌های عربستان حمایت می‌کند و در مقابل عربستان سعودی نیز از تداوم بقای آل خلیفه حمایت می‌کند. (دوستی، ۱۳۹۰: ۲۱۱) بحرین از نظر اقتصادی به عربستان سعودی وابستگی زیادی دارد. (کوشکی و ناظم‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۲) عربستان سعودی بحرین را مکمل استراتژیک خود می‌داند. (آدمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۲۲). عربستان سعودی بیم این را دارد که با سقوط حکومت آل خلیفه حکومت آل سعود نیز سقوط کند. عربستان سعودی حفظ آل خلیفه را اولویت استراتژیک خود تعریف کرده است. (حاتمی، ۱۳۹۲: ۱۱).

۴. افزایش امنیت نسبی

بحرین فاصله کمی از نظر تاریخی، جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و امنیتی و مناسبات عمومی و قبیله‌ای با عربستان سعودی دارد. و این مسائل باعث شده امنیت کشور بحرین مستقیماً با امنیت عربستان پیوند داشته باشد. با توجه به این مسائل بحرین اهمیت فوق‌العاده‌ای با توجه به تأثیرش بر امنیت داخلی عربستان دارد. (محبعلی، ۱۳۹۶). به دلیل حاکم بودن مفهوم امنیت ملی از منظر کلاسیک با توجه به نزدیک بودن بحرین به استان‌های شرقی و نفت خیز الحسا و قطیف و قابلیت تسری موج تحول به درون کشورش تفسیر سعودی‌ها از وقایع بحرین تهدید امنیت ملی است. که با سرکوب شدید و خشن مردم بحرین، تلاش همه‌جانبه برای حفظ و بقای حکومت آل خلیفه دارد.

اقدامات عربستان سعودی در بحرین

۱. اقدامات سیاسی (ترمیم‌سازی حکومت بحرین)

انقلاب بحرین که ادامه موج عظیم بیداری اسلامی است، واکنش سریع و خشونت‌بار کشورهای همسایه عرب به‌ویژه عربستان سعودی را برای سرکوب این قیام در بر داشته است. (کاظمی و

شاه‌قلعه، ۱۳۹۲: ۷۲) سعودی‌ها با اهرم نظامی صحنه را به‌ظاهر به نفع خود تغییر دادند و به‌نوعی از تداوم آن ممانعت به عمل آوردند. (مددی، ۱۳۹۳: ۸۷) عربستان با ارسال نیروی نظامی خود به بحرین به سرکوب مخالفان اقدام کرد. (توتی و دوست‌محمدی، ۱۳۹۳: ۲۱۹) کشور بحرین به دلیل موقعیت ممتاز راهبردی، همسویی و اتحاد با عربستان سعودی بقای نظام بحرین برای عربستان یک فرصت حیاتی و تغییر نظام بحرین نیز یک تهدید فوری محسوب می‌شود. با توجه به اینکه کشور بحرین نیرویی با گرایش گریز از مرکز هست. و نیز با توجه به شیعه بودن اکثریت مردم عربستان سعی در حمایت از آل خلیفه که اقلیت سنی هستند دارد. با تسری ناآرامی‌ها به بحرین عربستان رویکرد ترمیم‌سازی قدرت در این کشور را اتخاذ کرد.

۲. سرکوب شدید مردم بحرین

حکومت عربستان سعودی تنها یک ماه پس از آغاز اعتراض‌های مردمی در بحرین در ۱۴ مارس ۲۰۱۱ به این کشور لشکرکشی کرد. تا از حکومت بحرین با سرکوب مخالفان حمایت کند. (پرس تودی، ۱۳۹۶/۲/۱۶). عربستان حفظ رژیم آل خلیفه را اولویت استراتژیک خود تعریف کرده و با گسترش بحران در این کشور به گسیل نیروهای نظامی امنیتی خود برای سرکوب شیعیان بحرین اقدام کرده و سیاست بحرین سرکوب قاطع انقلابیون بحرین بوده است. (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۲۶۰) از این‌رو در پی گسترش قیام‌های عربی، دخالت نظامی عربستان سعودی به حدی است که نمی‌توان دولت بحرین را یک دولت مستقل نامید و سعودی با بسیج منابع مادی و معنوی به سرکوب مردم پرداخت. (همیانی، ۱۳۹۴: ۶۶)

۳. اقدامات نهادی (مشروعیت‌زایی حکومت بحرین)

موضع‌گیری عربستان سعودی در قبال خیزش‌های مردمی مشخصاً ضدانقلابی و انعطاف‌ناپذیر بوده است. در تاریخ ۱۴ سال ۲۰۱۲ عربستان و بحرین حمایت خود را از طرحی که برای ایجاد اتحاد نظامی و سیاسی میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ارائه شده است. اعلام کردند این اقدام در واقع پیامی بود از سوی آل سعود به مخالفان بحرینی که عربستان سعودی در هر شرایطی از رژیم آل خلیفه پشتیبانی خواهد کرد. (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۵) در تحولات اخیر بحرین مقامات سعودی سعی کردند رهبران کشورهای عربی خلیج فارس را قانع کنند که تغییر رژیم بحرین تأثیر شدیدی بر بقای سایر کشورهای عضو شورا دارد. و در نتیجه رویکردی سخت‌افزار مورد نیاز است. (اسدی و زارع، ۱۳۹۲: ۱۸۵) احمد ابولفیظ در بیانیه‌ای که از دبیرخانه اتحادیه عرب صادر شد، بر همبستگی اتحادیه عرب و حمایت آن از بحرین در خصوص اقداماتی که برای مقابله با آنچه تروریسم خواند، برای حفظ امنیت و ثبات در کشور بحرین تأکید کرد. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵/۱۲/۱۱).

تجزیه و تحلیل راهبرد سعودی

برای مقامات سعودی واضح است که سقوط بشار اسد تا چه اندازه می‌تواند توازن از دست‌رفته را به منطقه بازگرداند؛ بنابراین، عربستان در سوریه سیاست حمایت گسترده مالی و لجستیکی از گروه‌های سلفی را اتخاذ کرد. (نجات، ۱۳۹۳: ۶۳۳) شرایط ویژه حاکم بر بحرین باعث شده است عربستان به مدیریت بحران و جلوگیری از اشاعه آن بپردازد. بحرین به دلیل تأثیرپذیری زیادی که از انقلاب اسلامی دارد، باعث شده است که عربستان تمام کوشش خود را انجام دهد تا نظام حاکم بحرین را حفظ کند. (پورحسن و سیفی، ۱۳۳۱۳۴: ۱۳۹۳) تحولات موسوم به بیداری اسلامی را می‌توان نوعی تغییرات سریع نامید که بیشترین احساس تهدید را برای حکام غیرمردم‌سالار ایجاد کرد. عربستان سعودی از تماماً کنشگران منطقه‌ای و عربی به دلیل دارا بودن نوعی سیستم غیرمردمی و سنتی بیشترین احساس ناامنی را برداشت کرد؛ بنابراین، از منظر ذهنیت و هویت رویکردش را نسبت به تحولات بیداری اسلامی تنظیم کرد. با تلاش در این زمینه که با توجه به سرعت تحولات آن را به سمت و سویی هدایت کند با روند فرسایشی با این هدف که به سیستم حکومتی کشورش ناآرامی و بیداری مردمی سرایت نکند. با نگاه انگاره، نرم و شناخت محوری که در قالب تئوری سازه‌نگاری می‌گنجد، با تعریف هویتی و ایجاد خودی و غیرخودی تلاش کرد تحولات را به پیوند مذهبی متصل کند و با سرکوب مردم بحرین به‌عنوان غیرمتحدها از حذف یک متحد راهبردی ممانعت کند، همچنین در بحران سوریه با تعریف از حکومت رسمی و قانونی سوریه به‌عنوان غیرخودی و تلاش نهادی و رسانه‌ای حکومت سوریه را ضدخودی معرفی کند به‌طور خاص با کمک مالی و نظامی به معارضان در راستای حذف حکومت سوریه (غیرخودی) گام بردارد. در راستای معکوس کردن روند بیداری اسلامی نقش و حذف تنها متحد راهبردی ایران در منطقه حکایت از اهداف و اقدامات خشونت ساز این کشور برای آینده منطقه دارد.

نتیجه‌گیری

تحولات موسوم به بیداری اسلامی منجر به تغییرات فوری در خاورمیانه و شمال آفریقا شد. با سرنگونی تعداد زیادی از کشورها از جمله تونس مصر و غیره در نهایت تسری این موج به نزدیکی مرزهای فوری عربستان سعودی، این کشور دچار نوعی سردرگمی استراتژیک شد. سقوط متحدان عربستان سعودی منجر به تغییر موازنه قدرت به ضرر این کشور و محور محافظه‌کار شد و بالعکس به نفع ا.ج.ایران و محور مقاومت منجر شد، بر این مبنا که سقوط متحدان منطقه‌ای عربستان منجر به ایجاد تهدید شدید موجودیت و بقاء آل سعود در این کشور شد و با این نگرانی از اینکه بحران به صورت دومینووار به کشورهای محافظه‌کار به‌طور خاص عربستان سعودی تعمیم یابد رویکرد غیرسازنده در روند ثبات منطقه را بکار گرفت. نکته قابل‌تأمل این

است که این کشور نقش تخریب‌کننده و پارادوکس را در تحولات بیداری اسلامی ایفا کرد به نحوی که از یکسو در سوریه با اهداف پنهانی سعی کرد اقدامات تخریب‌کننده در سوریه را شامل حمایت مالی و لجستیکی از تروریست‌ها و انتقال عناصر ضدامنیتی و آشوب ساز به این کشور را با شدت فزاینده دنبال کند، باهدف فروپاشی و تجزیه سوریه با رویکرد تداوم بحران تلاش کرد تا تهدیدات ساختگی‌اش را با شدت حداکثری در سوریه متمرکز کند. اما در رویکردی کاملاً دوگانه با سرکوب مردم در بحرین تلاش کرد از سقوط متحد راهبردی‌اش در امتداد مرزهای فوری‌اش جلوگیری کند.

در موضوع سوریه ج.ا.ایران توانست افکار عمومی خود را متقاعد کند که باید علیه تروریسم اقدام کند، چون تروریست‌ها از سوریه به عراق و به ایران خواهند آمد و ایران با راهبرد پیش‌دستانه تهدیدات تروریستی را در خارج از مرزهایش دنبال می‌کند. (برزگر، ۱۳۹۵). عربستان از یک طرف تلاش کرده نظام‌های محافظه‌کار عرب را از روند تغییرات محافظت کند. مواضع عربستان در این زمینه از مصر تا بحرین را شامل می‌شود. از طرفی دیگر در موضعی متعارض در پی تغییر نظام‌های عربی ناهم‌سو با غرب بوده است. (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۳: ۱۴۳) با تأکید بر تعریف هویت و انگاره‌های شناختی در راستای حفظ وضع موجود و بازتعریف موازنه قدرت اقدام کرد.

جمهوری اسلامی ایران باید از تمامی ابزارهای دیپلماسی رسمی و عمومی خود از جمله در حوزه کنش‌های رسانه‌ای ارتباط با اندیشکده‌ها، تعاملات دیپلماتیک و غیره تأکید بر ماهیت دفاعی بودن کنش‌های منطقه‌ای خود را تبیین کند، هزینه‌ها و تلاش‌های ج.ا.ایران در ایجاد صلح و ثبات کشورهای خاورمیانه باید در کانون توجه به دیپلماسی رسمی و نیز عمومی ج.ا.ایران قرار گیرد. (مفیدی احمدی، ۱۳۹۷).

جمهوری اسلامی ایران باید با حضور فعال و استراتژیک از رشد و تکثر تروریسم جلوگیری کند و اجازه ندهد این پدیده که تهدیدی جدی در اطراف محیط فوری و تهدیدساز جمهوری اسلامی است تداوم پیدا کند. با رویکرد بهینه سعی در تبیین نقش تخریب‌کننده عربستان سعودی در تحولات منطقه داشته باشد و با دیپلماسی رسمی و غیررسمی به‌طور شفاف در مجامع و نشست‌های منطقه‌ای و خاصاً جهانی این روند را تشریح کند. در بحرین نیز ضمن محکوم کردن مداخله عربستان سعودی فضا را برای ایجاد آرامش درونی و مردمی این کشور ترغیب کند. تلاش کند به افکار عمومی در سطح منطقه و جهانی عامل رشد افراط‌گرایی و تروریسم را معرفی کند، ضمن شفاف‌سازی و معرفی ماهیت اقدامات دفاعی و عقلانی محور جمهوری اسلامی ایران در راستای صلح و امنیت جمعی در خاورمیانه گام بردارد تا زمینه برای برخورد جمعی با اقدامات بحران‌زا و آشوب ساز عربستان فراهم شود. جمهوری اسلامی ایران باید در سطح فراگیر از طریق دیپلماسی رسمی و نیز غیررسمی هزینه‌های تحمیل‌شده ناشی از مقابله تروریسم را بازگو کند.

افکار عمومی جهان اسلام را در راستای ایجاد امنیت پایدار از طریق ترمیم سازی حکومت‌ها و اصلاح آن‌ها تبیین کند. دیپلمات‌ها و سفرای خارجی باید با اشاره به «رفتار عربستان سعودی که به نیابت از نظام سلطه‌محور و مثلث غربی، عربی، عبری اقداماتی را که منجر به ایجاد خلأ قدرت نهادی در حکومت‌های منطقه و همچنین رشد گروه‌های تروریستی می‌شود» را به جهان تشریح و تبیین کنند. به اروپا و کشورهای غربی این پیام را منتقل کنند که حمایت آن‌ها از اقدامات عربستان سعودی منطقه‌ی غرب آسیا را به سمت بحران‌های غیرقابل بازگشت به نقطه تعادل و ثبات سوق می‌دهد.

در پایان پیشنهاد می‌شود محققان نقش عربستان سعودی در مقابله با الگوهای مردم سالاری دینی را مورد بررسی قرار دهند. نقش مخرب و بحران‌ساز عربستان را در مقابله با بیداری اسلامی مورد واکاوی قرار دهند؛ به بررسی دلایل رویکرد عربستان سعودی در حمایت از ترمیم‌سازی حاکمیت متحدان هویتی اش مانند اردن و غیره. و همچنین به ایجاد خلأ قدرت در حاکمیت کشورهای متحد جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا و خاورمیانه به طور خاص در کشورهای عراق و یمن پردازند.

کتابنامه

الف- کتب

۱. برزگر، کیهان، ۱۳۹۲، تحولات عربی بر سیاست ایران و خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی خاورمیانه، چاپ اول.
۲. بزرگمهری، مجید، ۱۳۸۴، تاریخ روابط بین‌الملل (۱۸۷۰-۱۹۴۵)، تهران: سمت.
۳. جکسون، رابرت؛ سورنسون، گنورک، ۱۳۹۱، درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده، حسن سعید کلاهی، تهران: میزان.
۴. قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۴، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سمت.
۵. کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۶. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۷۹، خلیج فارس: کشورها و مرزها، تهران: نشر شابک، چاپ اول.
۷. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۸، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
۸. ونت، الکساندر، ۱۳۸۴، نظریه‌های اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.

ب- مقالات

۹. ابراهیمی، شهرز؛ صالحی، محمدرضا؛ پارسایی، سید مهدی، (۱۳۹۱)، «بررسی واکنش‌های امریکا و عربستان سعودی به خیزش مردم بحرین»، دوره ۴، شماره ۱۰، صص ۱۱۱-۱۴۲.

۱۰. احمدیان، حسن، (۱۳۹۵)، «تحول در سیاست خارجی منطقه‌ای عربستان: آورده‌های ملک سلمان»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۴، صص ۹۷-۱۲۲.
۱۱. اسدی، علی‌اکبر؛ زارع، محمد، (۱۳۹۰)، «بحران بحرین: تعارض رویکردهای منطقه‌ای»، فصلنامه سیاست‌گذاری، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۷۹-۱۹۸.
۱۲. اصفهانی، علیرضا؛ سیف‌آبادی، شفیق، (۱۳۹۴)، «آینده گروهک‌های تکفیری و راهکارهای ثبات‌بخش دولت سوریه و عراق»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۱۹۹-۲۱۷.
۱۳. امیری، اسدالله؛ شهرام‌نیا، امیر مسعود، (۱۳۹۴)، «بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۱۲۵-۱۵۹.
۱۴. آدمی، علی؛ موسوی، سید محمدرضا؛ توتی، حسینعلی، (۱۳۹۱)، «تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۴، شماره ۱۰، صص ۱۴۱-۱۶۹.
۱۵. آقایی، سید داوود؛ احمدیان، حسن، (۱۳۸۹)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان، چالش‌های بنیادین و امکانات پیش‌رو»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، صص ۳-۱۹.
۱۶. توتی، حسینعلی؛ دوست‌محمدی، احمد، (۱۳۹۳)، «تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردی سیاست خارجی ایران در قبال آن»، فصلنامه علمی-پژوهشی انقلاب اسلامی، شماره ۳۳، صص ۲۰۹-۲۲۶.
۱۷. جعفری وادانی، اصغر؛ نجات، سید علی، (۱۳۹۲)، «نقش قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه (۱۳۹۰-۹۳)»، فصلنامه خاورمیانه، سال ۲۰، شماره ۴، صص ۱۴۱-۱۷۶.
۱۸. چوکامی، سیامک؛ قربانی، علیرضا، (۱۳۹۶)، «ماهیت شناسی خشونت در بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۳، سال ۵، شماره پیاپی ۱۹، صص ۲۵-۵۰.
۱۹. حمایتیان، احسان؛ خواجه‌بوی، محمدحسن، (۱۳۹۳)، «تأثیر تحولات بیداری اسلامی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه پژوهش‌های جهان اسلام، سال ۴، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۷۹.
۲۰. حمایتیان، احسان؛ جعفری‌زاده، علیرضا، (۱۳۹۵)، «تعاملات سیاسی و امنیتی خلیج فارس (مطالعه موردی: ایران و عربستان سعودی)»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، دوره ۲، شماره ۴، صص ۵۱-۷۳.
۲۱. حاتمی، محمد رضا، (۱۳۹۲)، «تحولات بحرین: بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی امنیت ملی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۳، شماره ۳، صص ۱-۲۵.

۲۲. خضری، احسان؛ صفری، سید حمزه؛ پرهیزکار، امین، (۱۳۹۴)، «ریشه‌یابی منازعات ایران و عربستان سعودی مطالعه موردی عراق سوریه و بحرین»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۷، شماره ۲۳، صص ۱۷۹-۲۰۷.
۲۳. دارایی، وحید؛ کاظمی، حامد، (۱۳۹۵)، «بحران تقابل و موازنه قدرت در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره ۲، شماره ۱۵، صص ۱-۲۰.
۲۴. دوستی محمد مهدی، (۱۳۹۰)، «بررسی سیاست خارجی عربستان در قبال تحولات عربی (مصر، بحرین، یمن و سوریه)»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۴۶، صص ۱-۲۰.
۲۵. دهشیری، محمدرضا؛ مقامی، اسماعیل، (۱۳۹۴)، «بیداری اسلامی و شکل‌گیری هندسه جدید در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۵۷-۱۸۰.
۲۶. ذوق‌بارانی، کاظم؛ قادری، روح‌الله؛ فراتی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، «تحلیل ژئوپلیتیک سوریه، بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در خاورمیانه»، فصلنامه مجله سیاست دفاعی، سال ۲، شماره ۷۷، صص ۱۹۵-۲۱۴.
۲۷. ربیعی، حسین؛ نقدی، جعفر؛ نجفی، سجاد، (۱۳۹۵)، «بحران سوریه و امنیت ملی ایران»، فصلنامه تحقیقات بین‌المللی، دوره ۹، شماره ۳۰، صص ۶۱-۸۸.
۲۸. رجبی، سهیل، (۱۳۹۱)، «واکاوی و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه و بین‌المللی»، فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره ۳، شماره ۳۴، سال ۱۰، صص ۱۲۳-۱۵۰.
۲۹. رسولی ثانی‌آبادی، الهام، (۱۳۹۱)، «بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری»، مجله علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره ۵۸، صص ۱۷۷-۲۰۰.
۳۰. ساعی، احمد؛ علیخانی، مهدی، (۱۳۹۲)، «بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۹۳»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۹، شماره ۲۲، صص ۱۰۳-۱۲۹.
۳۱. سلطانی‌نژاد، احد؛ ابراهیمی، نبی‌الله؛ نجفی، مصطفی، (۱۳۹۵)، «منافع و ملاحظات قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱۰۱-۱۳۰.
۳۲. سلیمی، حسین؛ شریعتی، مجتبی، (۱۳۹۳)، «منافع جمهوری اسلامی ایران تداوم یا قطع حمایت از نظام سوریه»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۸۹، سال ۲۳، صص ۷۱-۱۰۴.
۳۳. سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ محمدی عزیزآبادی، مهدی، (۱۳۹۴)، «ژئوپلیتیک هویت و تأثیر آن بر راهبرد امنیتی ایران و سعودی بر بحران یمن»، فصلنامه جهان اسلام، سال ۵، شماره ۲، صص ۱-۲۷.

۳۴. سیفی، عبدالحمید؛ پورحسن، ناصر، (۱۳۹۳)، «عربستان و رویارویی هژمونیک به بیداری اسلامی در حوزه خلیج فارس (موردی: بحرین)، فصلنامه علمی-پژوهشی حوزه علمیه، دوره ۵، شماره ۴، صص ۱۳۳-۱۵۶.
۳۵. شهرام‌نیا، امیرمسعود، (۱۳۹۴)، «بررسی تعاملات جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در چهارچوب رهیافت تلفیقی سازه و واقع‌گرایی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۸، شماره ۹۹، صص ۲۷-۵۲.
۳۶. شهریاری، محمدعلی؛ شفیعی، اسماعیل؛ نفیسی، واعظ، (۱۳۹۵)، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عربستان سعودی در سوریه (در چهارچوب نظریه بازی‌ها)»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۱۱۹-۱۴۴.
۳۷. شهیدانی، مهدی؛ کلارده مرادی، سجاده، (۱۳۹۵)، «تبیین سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری در عراق و سوریه»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، سال ۹، شماره ۳۰، صص ۸۹-۱۱۶.
۳۸. عباسی، مجید، (۱۳۹۴)، «بحران سوریه و تبلور نظریه واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی، سال ۹، شماره ۲۲، صص ۸۵-۱۰۴.
۳۹. کاظمی، اخوان؛ شاه‌قلعه، صفی‌الله، (۱۳۹۳)، «بازتعریفی از ژئوپلیتیک شیعه با نگاهی به انقلاب بحرین»، فصلنامه علمی-پژوهشی، شماره ۴۵، صص ۷-۳۴.
۴۰. کرمی، کامران، (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی و عربستان سعودی: آثار واکنش‌ها»، فصلنامه خاورمیانه، سال ۱۸، شماره ۳، صص ۷۹-۹۸.
۴۱. کریمی‌فرد، حسین، (۱۳۹۳)، «بررسی سیاست خارجی بازرگان بر اساس مؤلفه‌های هویت ملی»، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره ۲، شماره ۱۵۵، صص ۱-۷۷.
۴۲. کریمی، علی؛ گرشاسبی، رضا، (۱۳۹۴)، «ماهیت جریان‌های تکفیری سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۱۶، شماره ۳، صص ۱۰۱-۱۲۰.
۴۳. کوشکی، محمدصادق؛ ناظم‌پور، حسین، (۱۳۸۹)، «بررسی چالش‌ها و موانع درونی و دمکراسی در خاورمیانه با تأکید بر کشور بحرین»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی شهرضا، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۵۳-۱۷۵.
۴۴. کوه‌کن، سعید؛ تجری، سعید، (۱۳۹۳)، «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی ۲۰۱۱-۲۰۱۴»، فصلنامه پژوهش راهبردی سیاست، سال ۳، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۲۸.
۴۵. ماخوری، عبدالله، (۱۳۹۳)، «بیداری اسلامی و قیام ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ و بحران در بحرین»، فصلنامه علوم سیاسی و فرهنگ سیاسی، شماره ۱۱، صص ۱۱۳-۱۲۸.
۴۶. متقی، ابراهیم؛ کاظمی، حجت، (۱۳۸۶)، «سازه، هویت زبان و سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، صص ۲۰۹-۲۳۷.

۴۷. مددی، جواد، (۱۳۹۳)، «آسیب‌شناسی قیام انقلابی بحرین»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، شماره ۵۹، صص ۶۹-۹۸.
۴۸. مدنی، سید مهدی؛ هوایی، حسن، (۱۳۹۳)، «رفتارشناسی سیاست خارجی عربستان در قبال مصر و بحرین بعد از انقلاب‌های عربی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۹، صص ۵۹-۷۸.
۴۹. مرادی کلارده، روحی؛ دهبنه، مجید؛ سمیر، رضا، (۱۳۹۶)، «انگاره‌های هویتی و تبیین سیاست خارجی عربستان در قبال عراق»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۶، شماره ۲۲۷، صص ۲۱-۱۹۷.
۵۰. منصوری مقدم، محمد، (۱۳۹۲)، «مؤلفه هویت و تأثیر آن بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۱۹، شماره ۹۹، صص ۷۷-۱۰۰.
۵۱. میرزایی، جلال؛ حمایتیان، احسان؛ خواجه‌بوی، محمدحسن، (۱۳۹۳)، «تأثیر تحولات بیداری اسلامی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه پژوهش‌های جهان اسلام، سال ۴، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۷۹.
۵۲. نجات، سید علی؛ موسوی طارمی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، «راهبرد سعودی و ایران در قبال بحران یمن»، فصلنامه روابط بین‌الملل، سال ۹، شماره ۳۳، صص ۱۳۷-۱۷۹.
۵۳. نجات، سید علی، (۱۳۹۵)، «راهبرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۸، شماره ۴، صص ۶۵۵-۶۳۱.
۵۴. نجات، سید علی؛ جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۹۲)، «بررسی و نقش جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، سال ۲۳، شماره ۸، صص ۲۹-۴۹.
۵۵. نورعلی‌وند، یاسر، (۱۳۹۶)، «عربستان سعودی و تلاش برای موازنه سازی مجدد برابر ایران»، فصلنامه راهبردی، سال ۲، شماره ۱، صص ۱۳۳-۱۵۸.
۵۶. نورمحمدی، مرتضی؛ محمدی‌پور، طیبه، (۱۳۹۵)، «جایگاه دیپلماسی آموزش در سیاست خارجی عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات اسلام، سال ۵، شماره ۱۹، صص ۱۳۹-۱۶۴.
۵۷. نیاکویی، سید امیر؛ بهمش، حسین، (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در سوریه اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، سال ۴، شماره ۴، صص ۹۷-۱۳۶.
۵۸. هاشمی‌نسب، سید سعید، (۱۳۸۹)، «بحران بحرین»، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵، صص ۱۹-۳۸.

۵۹. هدایتی، سید شمس‌الدین؛ اخوان کاظمی، مسعود؛ لطفی، کامران، (۱۳۹۴)، «بحران سوریه و مناقشه ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال ۴، شماره ۱۶، صص ۱۰۷-۱۲۸

۶۰. هزاوه‌ای، سید مرتضی؛ باوریان، فریده، (۱۳۹۵)، «بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به مسئله بیداری اسلامی (مطالعه موردی قیام بحرین)»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال ۵، شماره ۱۹، صص ۱۶۵-۱۸۹.

۶۱. همیانی، مسعود، (۱۳۹۴)، «تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی از استراتژی موازنه تا رهبری ائتلاف»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، سال ۲۹، صص ۵۳-۷۴.

ج- اینترنتی

۶۲. پرس تودی، (۱۶ اردیبهشت، ۱۳۹۶)، «تحلیل اوج عصیانگری عربستان سعودی در بحرین» قابل مشاهده در:
<http://www.tolonews>.

۶۳. اسلام تایمز، (۱۵/۳/۱۳۹۴)، «اهمیت استراتژیک بحرین»، قابل مشاهده در:

<http://www.islamtimes.org>

۶۴. آجرلو، حسین، (۲۵ تیر ۱۳۹۱)، «تحولات بهار عرب و نقش فعال منطقه‌ای عربستان سعودی»، قابل مشاهده در:

<http://www.cmess.ir>

۶۵. برزگر، کیهان، (۱۵ آذر ۱۳۹۵)، «همایش در حضور هیئت شورای روابط خارجی اروپا (ECFR) در مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه»، قابل مشاهده در:

<http://www.cmess.ir>

۶۶. برزگر، کیهان، (۱۵ آذر ۱۳۹۴)، «حضور هیئت شورای روابط خارجی اروپا در مرکز مطالعات خاورمیانه»، قابل مشاهده در:

<http://www/cmess.ir>

۶۷. خبرگزاری فارس، (۱۱ اسفند ۱۳۹۵)، «حمایت اتحادیه عرب و اقدامات عربستان در بحرین» گروه بین‌حوزه خاورمیانه، قابل مشاهده در:

<http://www.farsnews.com/viwpoint>

۶۸. لفورکی، بهزاد، (۱۵ آذر ۱۳۹۴)، «حضور هیئت شورای روابط خارجی اروپا در مرکز مطالعات خاورمیانه»، قابل مشاهده در:

<http://www/cmess.ir>

۶۹. مجبعلی، قاسم، (۷/۳/۱۳۹۶)، «عربستان امنیت خورد را به بحرین زده است» قابل مشاهده در:

<http://www.khabaronline.ir>

۷۰. مفیدی احمدی، حسین، (۲۰ آبان ۱۳۹۷)، «مخاطرات سند راهبردی ضدتروریسم امریکا»، قابل مشاهده در:

<http://www/cmess.ir>

د- انگلیسی

71. Altamami,naser(2012),china-saudi Arabia relation june, **university of durham**, june,from:<http://www.dur.ac.uk/reasouces/alsabah/china-saudi-arabia-relations.pdf>, (accessed in august19,2013).
72. barzegar,kayhan(2012), the arab spring and the balance of power middle east, **belifer center for science and international affairs the kennedy school**, October.
73. bingmen,e(1967),a-social-smithist-streggling will History,new-york-and london:routledge.
74. caus,f.gregory(2014), beyond sectarianism:the new mhdde east cold war available at:www.brooking.edu.
75. farred, zakaria(2010), the politics of rage, why do they hate us, *news week*, 15oktober2010.
76. habbush,Mahmoud(2013),saudi arabia'cannot be silent about fears of iran,Hezbollah involvement in syria":*NBCNEWS,retrieved*.from, alarabia,august 6.(<http://www.alarabiya.net/article/2011/08/06/161072.html>)(accessedin february19,2014).
77. jahner.areil(2012), *Saudi arabia and iran:the struggle for power and influence in the gulf*,international affairs review.volxx.nx.n3,pp36-50.
78. kamrava.mehran, (2011),*the limited on behalf foreign policy reaserech instituee*,available at:<http://www18.georgetown.end/data/people/1mk556/publication-61403.pdf>.
79. moniquet,claud(2013), the involvement of salafism/wahhabish in the support and supply otarms to rebel groups around the world", European strategic intelligence and security center.available at:<http://www.europarl.europa.eu/activities/committees/studies.do?language=Nuw york tiems,22nov,2011>.
80. ritberger-volker(2002), approaches to the foreign policy dvided-from-ir-the-ories-papwr-papured-annual meating,of the-i-studies-new-orlean.and-march.
81. samii-abbas, wiliam(2008), a stable structure on shifting sands.
82. smit,s, (2001), reflectivist-and-constructivism approaches-in-I-theory-in-baylis-and-smith-.oxrord-university-press.
83. steve-smith(2001), *foreign policy-is-what-state make of it*:social conctructivism and-ir-theiry,in foregn policy-iha-constructed-world-;-ir-ina constructed world,editor:v.kabalkova-armonk-m.e.sharpe.
84. uzi rabi & chelsi Mueller(2012),*Saudi Arabia,Qatar and the Syrian uprising*,in <http://www.google.com/#q=Saudi+arabia0/02c+Qatar+and+the+Syrian+uprising>
85. went alexander(1992),*anarchy-is-what-constructivism of power polities/I organization*.40,no.2.
86. went,A, (1992), *anarchy-is-what-states-make of it:the-social-constracthvism-of power-io-*,vol.46.no2.
87. wind.m(1997), the rule of anarchy formal of peace research.